

تطبیق مفهوم‌شناسی «شیوه زندگی» در تمدن غربی و تمدن اسلامی

دکتر حسین خانی*

چکیده

شیوه زندگی یا سبک زندگی گرچه در کلی‌ترین حالت اشاره به الگو و سبک زندگی کردن می‌کند، اما همچون بسیاری دیگر از مفاهیم علوم انسانی، نیازمند نظریه پشتیبان است که تعیین‌کننده چیستی عمیق موضوع «نوع زندگی» و نسبت آن با موضوعات و مفاهیم دیگر است. بدین‌سان، پرسش اصلی این نوشتار، چیستی «شیوه یا سبک زندگی غربی» که نتیجه نظریه اجتماعی معاصر غرب است و تطبیق آن با چیستی و ماهیت «شیوه یا سبک زندگی اسلامی» است. فرضیه مقاله نیز به گستره‌ای از مفاهیم همچون جامعه مدرن، مدرنیته متأخر، نظام طبقاتی، الگوی مصرف، الگوی تفریح و اوقات فراغت و نظایر آن اشاره دارد. ضمن آنکه مواضع معرفت‌شناسی و ره‌آوردهای روش‌شناسی این مفهوم با توجه به خاستگاه متمایزشان، متفاوت هستند.

کلیدواژه‌ها: شیوه زندگی، سبک زندگی، اوقات فراغت، مدرنیته متأخر،

تمدن اسلامی

* دکتری علوم سیاسی از دانشگاه تهران و استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور
khani630@yahoo.com

مقدمه

سخن گفتن و نگارش درباره مفهوم شیوه زندگی یا «سبک زندگی»^۱ چندی است که در میان دانشگاهیان، فرهیختگان و پژوهشگران علوم انسانی، بویژه حوزه علوم اجتماعی و مطالعات فرهنگی مدرن رونق پیدا کرده است؛ به نحوی که تقریر و تکرار مباحث «بوردیو» و «گیدنز» و مکتب بیرمنگام را بخشی از وظایف شغلی و معیشتی خود می‌دانند. این مفهوم از زمره مفاهیمی است که پژوهشگران حوزه جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی، برای بیان پاره‌ای از واقعیت‌های فرهنگی جامعه، آن را مطرح می‌کنند و به کار می‌برند. همچنین، دامنه به‌کارگیری آن در ادبیات علوم اجتماعی و مطالعات فرهنگی رواج زیادی یافته است تا حدی که برخی معتقدند، این مفهوم قابلیت جانشینی بسیاری از واژگان موجود از جمله مفهوم «طبقه»^۲ را داراست و می‌تواند به نحو دقیق‌تری، گویای واقعیت پیچیده رفتارها و حتی نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی در جامعه امروزین باشد و حتی برخی دیگر از اندیشمندان، به کارگیری آن به جای مفاهیم فراگیری مانند «قومیت» و «ملیت» را مطرح کرده‌اند. (حاجیان، ۱۳۹۱: ۷-۸)

اما نباید فراموش کرد که مفهوم «سبک زندگی» مطرح شده در جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی مدرن، مفهومی برآمده از علوم انسانی غربی است و بر این اساس، به بررسی مراتب سه‌گانه الزامات شناخت یعنی هستی‌شناسی^۳، معرفت‌شناسی^۴ و روش‌شناسی^۵ مرتبط با این مفهوم نیاز است

-
1. life Style
 2. class
 3. ontology
 4. epistemology
 5. methodology

تطبیق مفهوم‌شناسی «شیوه زندگی» در تمدن غربی و تمدن اسلامی ❖ ۱۳

که با ادبیات علمی غرب پس از رنسانس توأم با نقطه کانونی اومانستی‌اش متناسب باشد. بنابراین، پرسش اصلی این نوشتار این است که مؤلفه‌های هستی‌شناسانه «سبک زندگی غربی» که نتیجه نظریه اجتماعی معاصر غرب هستند، در تطبیق با ماهیت «سبک زندگی اسلامی» کدام‌اند؟ فرضیه مقاله نیز اشاره به گستره‌ای از مفاهیم همچون جامعه مدرن، مدرنیته متأخر، نظام طبقاتی، الگوی مصرف، الگوی تفریح و اوقات فراغت و نظایر آن دارد. در عین حال مواضع معرفت‌شناسی و ره آوردهای روش‌شناسی این مفهوم با توجه به خاستگاه متمایز آنها، متفاوت است. در ادامه، با اتکا به روش توصیفی و فن کتابخانه‌ای، به احصای اجمالی مؤلفه‌های سه مقوله هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی مفهوم فوق با دو خاستگاه فکری مختلف «غربی» و «اسلامی» خواهیم پرداخت.

این نوشتار با ابتدا بر روش توصیفی و فن کتابخانه‌ای، به احصای اجمالی مؤلفه‌های سه مقوله هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی مفهوم فوق با دو خاستگاه فکری مختلف «غربی» و «اسلامی» پرداخته است.

الف) الزامات مفهوم‌شناسی «سبک زندگی» در تمدن غربی

همان‌گونه که در بالا اشاره شد، با توجه به خاستگاه‌های متمایز فکری «غربی» و «اسلامی»، مفهوم‌شناسی «سبک زندگی» را در دو افق مختلف بررسی می‌کنیم و بر این اساس، ابتدا به خاستگاه آن در تمدن غربی می‌پردازیم.

۱. نگرش‌های هستی‌شناسی «سبک زندگی غربی»

پرسش اصلی در هستی‌شناسی این است که چه چیزی برای شناختن وجود دارد (های، ۲۰۰۳: ۱۹). در پاسخ به این پرسش، نظریه‌پردازان علم سیاست و

جامعه‌شناسی به گروه‌های مختلفی تقسیم می‌شوند. عده‌ای رفتارهای عینی را موضوع شناخت می‌دانند، عده‌ای دیگر بر وجوه ذهنی رفتارها تأکید می‌ورزند و برخی نیز به تعامل این دو معتقدند (نصری، ۱۳۸۵ الف: ۷۱۶). در این نوشتار نیز نگارنده معتقد به تعامل رفتارهای ذهنی و عینی است.

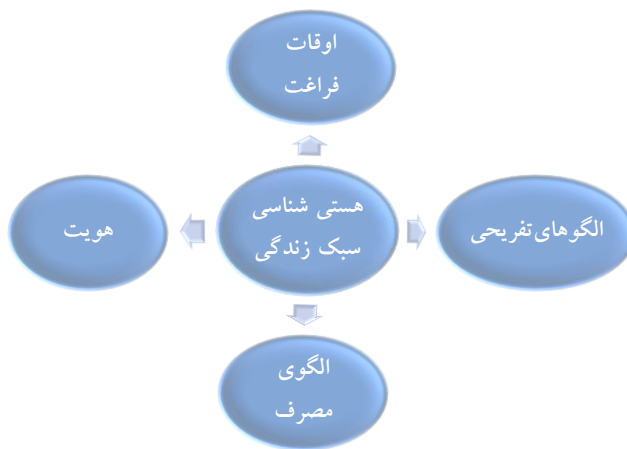
برای شناختن و برشماری مولفه‌های هستی‌شناسانه «سبک زندگی» لازم است تا به تعریفی درخصوص مفهوم مورد بحث یعنی «سبک زندگی» دست پیدا کنیم. لیزر، سبک زندگی را براساس الگوی خرید کالا تعریف می‌کند که بدان طریق مصرف‌کننده، خرید می‌کند و کالای خریداری شده را به مصرف می‌رساند. این شیوه، بازتاب‌دهنده سبک زندگی مصرف‌کننده در جامعه است. سوویل نیز سبک زندگی را مبنای الگوی مصرف به عنوان امری قابل مشاهده یا قابل استنتاج تعریف می‌کند. لامونت و همکارانش ضمن تأکید بر شیوه سازمان دادن زندگی شخصی، الگوی تفریح و مصرف را بهترین شاخص سبک زندگی می‌دانند.

گیدنز هم سبک زندگی را کردارهایی می‌داند که به جریان عادی زندگی روزمره تبدیل شده‌اند، جریان‌هایی که در لباس پوشیدن، غذا خوردن، شیوه‌های کنش و محیط دلخواه برای ملاقات کردن دیگران جلوه می‌کنند. /شپارگان با توجه به تأکید گیدنز بر سبک زندگی به مثابه بازتاب هویت فردی، رفتاری را مشخصه سبک زندگی می‌داند که اولاً، روایتی از خود در آن مستقر باشد، ثانیاً انتخابی باشد (شفیعی، ۱۳۹۱: ۱۳۷-۱۳۶). براین اساس، محققان در مورد برخی مولفه‌ها و ویژگی‌های تحقق سبک زندگی در یک جامعه بر سه مورد زیر اتفاق نظر دارند:

۱. ترجیحات افراد در زندگی روزمره دارای «سبک» هستند.

تطبیق مفهوم‌شناسی «شیوه زندگی» در تمدن غربی و تمدن اسلامی ❖ ۱۵

۲. سبک زندگی، هم وجه فردی و هم وجه گروهی دارد، اما اعضای یک گروه سبک زندگی با یکدیگر تعامل دایم و پایدار ندارند.
۳. سبک زندگی شامل آن‌گونه رفتارهایی نمی‌شود که مردم حق انتخاب بدیلی برای آنها ندارند. (فاضلی، ۱۳۸۲: ۸۲-۸۱)



شکل ۱. مواضع هستی‌شناسی سبک زندگی

بدین ترتیب، «سبک زندگی» را می‌توان الگوهایی از کنش دانست که تمیزدهنده افراد جامعه است (چنی، ۱۹۹۶: ۴). البته این الگوها، مبین اغراض، نیات، معانی و تفاسیر افراد در جریان عمل روزمره زندگی روزانه است. از این منظر، سبک زندگی جنبه‌های عینی، مشهود و ملموس فرهنگ در یک جامعه و گویای بخش قابل رویت هویت جمعی و هویت فرهنگی در جامعه است (حاجیانی، ۱۳۹۱: ۸). بر همین اساس، هستی‌شناسی «سبک زندگی» را می‌توان شامل اوقات فراغت، الگوهای تفریحی، الگوی مصرف در ابعاد مختلف مانند مصرف کالاها و مصرف رسانه‌ای و هویت پدید آمده از این مولفه‌ها دانست. به بیان دیگر، این مؤلفه‌ها، ساخت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه را در

۱۶ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

کلیت خود متأثر می‌سازد. مؤلفه‌های مذکور در شگل قبل گویاسازی شده است.

البته، مقصود از اوقات فراغت؛ «مجموعه‌ای از اشتغالات که فرد با رضایت خاطر برای استراحت یا تفریح و یا به منظور توسعه آگاهی یا فراگیری غیرانتفاعی و مشارکت اجتماعی، داوطلبانه بعد از رهایی از الزامات شغلی، خانوادگی و اجتماعی بدان می‌پردازند، است» (کوهستانی، ۱۳۷۸: ۵۱). در عین حال، مفهوم مصرف، به معنای گسترده آن، شامل تمامی فعالیت‌های اجتماعی است که در تعیین ویژگی‌ها و هویت مردمی نقش دارد. (محمدی، ۱۳۹۱: ۲۳۸-۲۳۹)

۲. مواضع معرفت‌شناسی «سبک زندگی غربی»

در زمینه معرفت‌شناسی، پرسش اصلی این است که در مورد یک چیز موجود - در اینجا «سبک زندگی» - چه شناختی می‌توانیم به دست آوریم یا امید به شناخت آن داشته باشیم (های، پیشین: ۴). بدین ترتیب، علاوه بر هستی‌شناسی سبک زندگی (اینکه چه چیزهایی برای شناخت وجود دارد؟) در شناخت مواضع معرفت‌شناسی موضوع، باید در نوعی تطور تاریخی، پدیده را دنبال کرد. در مقابل این پرسش که بحثی چون «سبک زندگی» از کجا و تحت چه شرایطی حاصل شده است، لازم است کمی به تاریخ اندیشه اجتماعی توجه شود.

۲-۱. تغییر اولویت‌ها از امر سیاسی و اقتصادی به اجتماعی و فرهنگی

در واکاوی اندیشه متفکران دوران باستان مانند افلاطون و ارسطو، کمتر از امر اجتماعی و فرهنگی سخن به میان آمده است و اگر چیزی گفته می‌شود، به

حوزه سیاسی اشاره دارد. در دوره ماقبل مدرن (زمان تولد جامعه مدرن بعد از جنگ جهانی اول در نظر گرفته می‌شود) عمده تحولات در حوزه دولت، حکومت، گروه‌های سیاسی و ذی‌نفوذ در دنیا و نظام قبیله‌ای اتفاق می‌افتد، اما در دوره معاصر - به معنای یکصد سال اخیر در غرب - امر اقتصادی اهمیت بیشتری پیدا کرده است. افرادی مانند کارل مارکس در این حوزه بحث و اعلام می‌کنند، مدرنیته ماهیتی اقتصادی دارد و سازوکارهای آن، اقتصاد است تا سیاست، اجتماع و فرهنگ. به دنبال این وضعیت، برخی متفکران مانند وبر و ویلن ظهور کردند و به دفاع از جامعه‌ای که ماهیتی فرهنگی و اجتماعی دارد، پرداخته‌اند. امور اجتماعی و فرهنگی در مقابل امر سیاسی و اقتصادی از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شوند و مولفه‌های جدیدی شکل می‌گیرند (آزاد ارمکی، ۱۳۹۱: ۲۳-۲۲). بنابراین، بحث «سبک زندگی» در موقعیتی در جهان غرب شکل گرفت که آن جامعه به لحاظ اجتماعی و ساختاری به ثبات رسیده بود؛ بدین معنی که تا حدود زیادی، سرانجام حوزه اندیشه، عمل سیاسی و رفتارهای اقتصادی معلوم بود. به بیان دیگر، باور به ثبات و ثبات‌خواهی، مشخص و روشن بود، به نحوی که یکی از صفات این جامعه تا حدود زیاد باثبات، طبقاتی بودن آن بود (آزاد ارمکی، پیشین: ۲۰). بنابراین، طبقاتی بودن، عمده‌ترین عنصر جامعه غربی است. نظام جامعه طبقاتی، یعنی جامعه‌ای که سازوکار طبقاتی آن معین و مشخص است؛ وضعیت جامعه به لحاظ طبقه بالا، متوسط و پایین معلوم است و جامعه با سامان یافتن چیزی تحت عنوان «نظام طبقاتی»، هویت و سازوکار پیدا می‌کند. نکته مهم بعدی نیز از همین جا نمایان می‌شود و آن هم چیزی نیست جز «طبقه متوسط» و سهم‌آفرینی آن در جامعه طبقاتی که به لحاظ معرفت‌شناسی، این سهم‌آفرینی از سوی مارکس و

۱۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

همفکرانش در دوران معاصر نادیده گرفته شده بود و به رسمیت شناخته نمی شد.

در نهایت این دو عنصر مهم یعنی «نظام طبقاتی» و «طبقه متوسط» ایجاد و استقرار «جامعه مدرن» را در پی داشت که نتیجه مهم آن اولویت یافتن امر اجتماعی و فرهنگی بر امر اقتصادی و سیاسی بود.

۲-۲. جامعه مدرن و نقش طبقه متوسط

جامعه مدرن با سازوکارهای طبقاتی و محوریت و کانونیت عنصری به نام طبقه متوسط در آن، سبب ظهور «انسان مدرن» و آزاد شده است که از ویژگی‌های این انسان مدرن، انزواطلبی کمتر، تعیین کنندگی، اثرگذاری (آزاد ارمکی، پیشین: ۲۶-۲۴) و البته مصرف‌گرا و تمایزخواه بودن است. زیمل در مقاله‌ای با عنوان «کلان‌شهر و حیات ذهنی» بحث می‌کند که شهر مدرن «یک هویت فضایی با نتایج جامعه‌شناختی نیست، بلکه هویتی جامعه‌شناختی است که به گونه‌ای فضایی شکل گرفته است (باکاک، ۱۳۸۱: ۲۳). اما نوشته‌های جامعه‌شناسانی مانند زیمل و وبلن به دلیل دو جنگ جهانی و ظهور فاشیسم در اروپا به دست فراموشی سپرده شد.

با از سرگیری مطالعه و تحلیل مصرف در دهه ۱۹۸۰، جامعه‌شناسان بار دیگر به آثار آنان علاقه‌مند شدند. این دو پژوهشگر، در زمانی که فروشگاه‌های بزرگ جدید، زیر یک سقف به خریداران خود انواع کالاها را عرضه می‌کردند، جامعه‌شناسی خود را درباره شیوه‌های زندگی در جوامع غربی، آغاز کرده بودند (آزاد ارمکی، پیشین: ۲۸). در اواخر سده نوزدهم تا آغاز جنگ جهانی اول، شهرهایی مانند برلین، پاریس، لندن، نیویورک و شیکاگو، شبکه حمل و

تطبیق مفهوم‌شناسی «شیوه زندگی» در تمدن غربی و تمدن اسلامی ❖ ۱۹

نقل و فروشگاه‌های مرکزی بزرگ خود را توسعه دادند. پاریس از سوی شهردار وقت خود *هاوسمان*، تبدیل به شهر بلوارها شده بود؛ بلوارهایی نه تنها برای استفاده سربازان به منظور کنترل شورش فقرا، بلکه همچنین برای پرسه‌زنانی که خیابان‌ها را گز کنند، لباس‌هایشان را به نمایش بگذارند و به تماشای ویتترین فروشگاه‌ها بپردازند. (باکاک، پیشین: ۲۳)

۲-۳. از سرمایه فرهنگی بوردیو تا عملکردهای روزمره گیدنز

از جمله جامعه‌شناسان مطرح که کار پیشینیان خود را دنبال کردند، می‌توان از بوردیو و گیدنز نام برد. بوردیو، در کتاب «تمایز» خود (نک: بوردیو، ۱۹۸۴) به تحلیل انتخاب‌های سبک زندگی پرداخته و آن را از این جهت با اهمیت دانسته است که تمایزات اجتماعی و ساختاری در دهه اخیر— منظور مدرنیته اخیر— به طور روزافزونی از رهگذر صور فرهنگی بیان می‌شوند. بسیاری از پژوهشگران، کتاب «تمایز» بوردیو را انجیل پژوهشگران این عرصه می‌دانند و کمتر متنی را در این عرصه می‌توان یافت که آرای وی را مرور نکرده باشد. بوردیو در دومین بحث اصلی کتاب «تمایز»، به نقدی اجتماعی درباره سلیق می‌پردازد و مشخص می‌سازد که ذوق و سلیقه در وهله نخست، بی‌میلی و اکراه نسبت به سلیقه‌های دیگران است. به نظر بوردیو، دلیل این امر آن است که اعمال و رویه‌های فرهنگی مانند بازدید از موزه، گوش کردن موسیقی جاز یا تماشای سریال‌های کمدی و کارهایی نظیر آن، معنی اجتماعی خود و قابلیت مشخص ساختن تفاوت و فاصله اجتماعی را از برخی ویژگی‌های ذاتی خود نمی‌گیرند، بلکه آن را از موقعیتی که این عمل و رویه فرهنگی در نظام اهداف و رویه‌های مطلوب وی دارد، کسب می‌کنند. بوردیو

❖ ۲۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

تصریح می‌کند که تمایزات اجتماعی را در مجموعه متنوعی از اعمال اجتماعی می‌توان مشاهده کرد. او معتقد است در کنار سرمایه اقتصادی باید به نقشی که سرمایه فرهنگی در ایجاد تمایزات (هویت‌های) اجتماعی دارد، توجه شود. (بورديو، ۱۳۸۰: ۷۸)

از سوی دیگر، گیدنز هم با موضعی مشابه بورديو، استدلال می‌کند که در مدرنیته/اخیر، هویت به امری روزمره بدل شده است و در برنامه‌هایی محقق می‌شود که همان «سبک زندگی» هستند. بر این مبنا، مدرنیته، نظم‌می‌ما بعد سنتی است که در آن به پرسش چگونه باید زیست و چه کسی باید بود، به ناچار از طریق تصمیم‌گیری‌های روزانه درباره چگونه رفتار کردن، چه چیزی پوشیدن و چه چیزی خوردن، پاسخ داده می‌شود (گیدنز، ۱۹۹۱: ۱۴). مدرنیته اخیر نیز در مرحله کنونی با شاخص‌ها و ویژگی‌هایی مانند توسعه نهادهای اجتماعی جدید، جهانی شدن و تنوع سبک‌های زندگی مشخص می‌گردد. (گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۷)

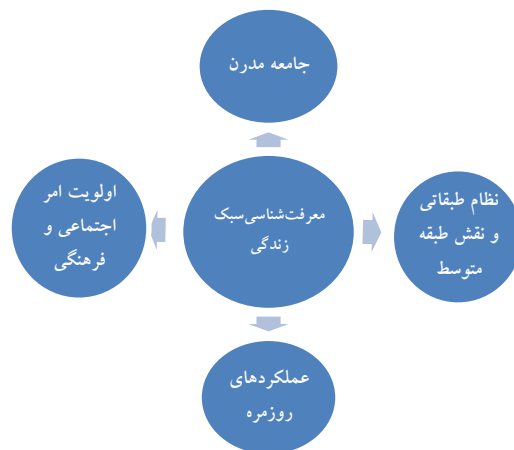
مطابق نظر گیدنز، شیوه زندگی به صورت عملکردهای روزمره در پوشش، خوراک، طرز کار، محیط‌های مطلوب برای ملاقات با دیگران، رفتارهای خاص هر محیط و نظایر آن جلوه‌گر می‌شود. ماهیت متحرک هویت شخصی به طرز بازتابی در برابر تغییرات احتمالی بازگشت‌پذیر است. در نظم مابعد سنتی، شیوه زندگی فرد با هسته واقعی هویت شخصی‌اش، ساخت و تجدید ساخت می‌یابد. (گیدنز، ۱۳۸۰: ۱۲۰)

در متن نظم و ترتیبات مابعد سنتی، «خود، مبدل به یک پروژه بازتابی شده است» (همان: ۳۲). بازتابی بودن سبک‌های زندگی بدین معناست که هر سبک زندگی در متن خود، معنایی ضرورتاً نامعین دارد. بنابراین، قطعی نبودن معنای

تطبیق مفهوم‌شناسی «شیوه زندگی» در تمدن غربی و تمدن اسلامی ❖ ۲۱

سبک زندگی یعنی نفی امکان تبیین کافی معنا، از سوی تعیین‌کننده‌های ساختاری. همچنین، بازتابندگی اشاره به این دارد که معانی فعالیت‌های سبک زندگی، در اصل از سوی نیروهای وسیع‌تر تعیین نمی‌شود [نفی فراروایت‌ها]، بلکه طی فرایند دادوستد عملی زیست‌جهان‌های متمایز، مبدل به اشیا و اعمال ملموس می‌گردد و از این رهگذر چیرستی رفتار، قاعده‌مند می‌شود. (همان: ۸۶)

بنابراین، سبک زندگی را می‌توان الگوها و شیوه‌های زندگی روزمره تعریف کرد که نه تنها شامل الگوهای فردی مطلوب از زندگی، بلکه شامل تمام عادات و روش‌هایی است که فرد با اعضای یک گروه، به آنها خو کرده است یا در عمل با آنها سروکار دارد. براساس مطالب پیشگفته، نمودار زیر را می‌توان به منظور گویاسازی مواضع معرفت‌شناسی سبک زندگی در نظر گرفت.



شکل ۲. مواضع معرفت‌شناسی سبک زندگی

۳. رهاوردهای روش‌شناسی در «سبک زندگی غربی»

پرسش کلیدی روش‌شناسی این است که «چگونه می‌توان به شناخت یک چیز مبادرت کرد؟» (های، پیشین: ۷۶). در مورد روش‌شناسی «سبک زندگی»، با توجه به مطالب پیشگفته درخصوص مؤلفه‌های معرفت‌شناسانه این مفهوم، بویژه بازتابی بودن سبک‌های زندگی که توضیح آن در سطور بالا ذکر شد، همچنین توجه به این امر که بدون تعلق به سنت خاص فکری، امکان ارائه بحث دقیقی وجود نخواهد داشت، باید گفت کسانی که بحث از «سبک زندگی» می‌کنند، به نوعی متعلق به جامعه‌شناسی پساوبری و جامعه‌شناسی نیوزیملی و در یک کلام متعلق به جامعه‌شناسی پست‌مدرن هستند. بنابراین، آشنایی و تعلق به این سنت که حداقل متفاوت از سنت جاری جامعه‌شناسی تجربی امریکایی و جامعه‌شناسی نظری - فلسفی اروپایی است، ضروری می‌نماید.

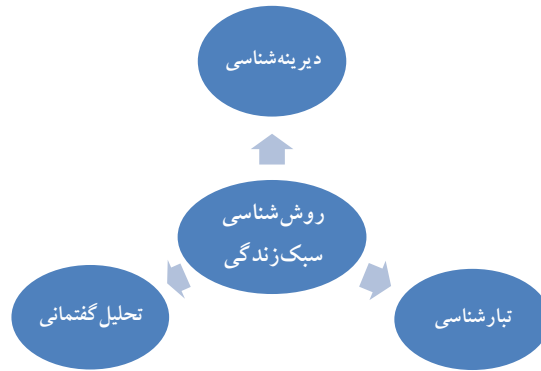
در این سنت، اصل بر بیان آمار اجتماعی با ارائه بحث‌های مطوّل مفهومی و نظری نیست. جامعه‌شناس باید به محیط پیرامونی خود توجه داشته باشد و از میزان تغییرات ایجاد شده نیز بتواند روایت دقیقی ارائه دهد. پس تعلق به سنت خاص جامعه‌شناسی غیرتجربی، غیرآماری و غیرفلسفی و تخیل‌گرایانه، می‌تواند منجر به شناسایی شرایط جدید در جامعه معاصر شود (آزاد ارمکی، پیشین: ۱۹). بدین ترتیب، با عنایت به تأکید گیدنز بر «روزمرگی» و زمان‌مند و مکان‌مند بودن استقرار هویت‌ها و تأکید بوردیو بر «تمایزات اجتماعی» و نقش سرمایه‌های فرهنگی در ایجاد تمایزات اجتماعی و همچنین «بازتابی» دانستن سبک زندگی در مدرنیته اخیر، به تبیین روش‌شناسی پست‌مدرن مفهوم «سبک زندگی» ناآشنا می‌گردیم. به نحوی که نزد گیدنز «به دلیل باز بودن زندگی

تطبیق مفهوم‌شناسی «شیوه زندگی» در تمدن غربی و تمدن اسلامی ❖ ۲۳

اجتماعی امروز، کثرت یافتن زمینه‌های کنش و تعداد مراجع مقتدر، انتخاب سبک زندگی برای ساختن هویت فردی و در پیش گرفتن فعالیت‌های روزانه، به طور فزاینده‌ای اهمیت می‌یابد». (گیدنز، ۱۳۸۰: ۸۸)

راهبردهای روش‌شناسی پست‌مدرن‌ها را نیز می‌توان در سه عنصر، «دیرینه‌شناسی»^۱، «تبارشناسی»^۲ و «تحلیل گفتمانی»^۳ مطرح کرد. دیرینه‌شناسی نشان می‌دهد چه مفاهیمی معتبر یا نامعتبر هستند. هدف اصلی دیرینه‌شناسی توجه به گسست‌ها، شکاف‌ها، خلأها و تفاوت‌هاست. تبارشناسی، روش پژوهش فوکو برای رهایی از کلیشه‌های تحمیلی علم جدید و ریشه‌یابی سلطه است. تفحص تبارشناسی، در ذات خود تاب‌زدایی می‌کند، وحدت روایت مسلط را می‌شکند و تنوع و کثرت را جایگزین وحدت می‌سازد. نتیجه تبارشناسی، مشروعیت‌زدایی از نظام سلطه (گفتمان حاکم) است. در نهایت، تحلیل گفتمانی نیز مانند «تفهم وبری» درصدد کشف شرایطی است که جریانی در آن تولید شده است. مفروض تحلیل گفتمانی این است که هر متنی فرزندِ زمان خود، متأثر از مناسبات قدرت، دارای معانی متعدد و دارای سطوح و ابعاد گوناگون است. در یک کلام، تحلیل گفتمانی مرجعیت‌زداست (نصری، ۱۳۸۵ ب: ۲۳-۱۶). نمودار رهاوردهای روش‌شناسی نیز به صورت زیر خواهد بود.

-
1. archeology
 2. genealogy
 3. analysis of discourse



شکل ۳. رهاوردهای روش‌شناسی سبک زندگی

تأمل در اشتراک راهبردهای روش‌شناختی مطالعات «سبک زندگی» با پست‌مدرنیست‌ها، دربرگیرنده دو نکته مهم است؛ نخست، پژوهشگران مطالعات «سبک زندگی» در اتخاذ روش خود، از اندیشه‌های سیاسی متأثرند و به مفاهیمی مانند هویت برآمده از تعامل، ساخت اجتماعی و بین‌الذهانی واقعیت و داشتن نگاهی فلسفی به «سبک زندگی» متأثر از بحث‌های اندیشمندان و فلاسفه سیاسی - از پیشامدرن تا پست‌مدرن - پایبند هستند. دوم، از نگرش‌ها و مفاهیم جامعه‌شناسی نیز کمک شایانی گرفته‌اند.

ب) الزامات مفهوم‌شناسی «سبک زندگی اسلامی»

مفهوم «سبک زندگی اسلامی» را می‌توان در سه ساحت «فلسفی»، «کلامی» و «فقهی» مورد کنکاش قرار داد، ولی به دلیل عطف توجه به این مسئله از سوی مقام معظم رهبری و طرح موضوعات مربوط طی دیدار با جوانان استان خراسان شمالی در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۳ (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم

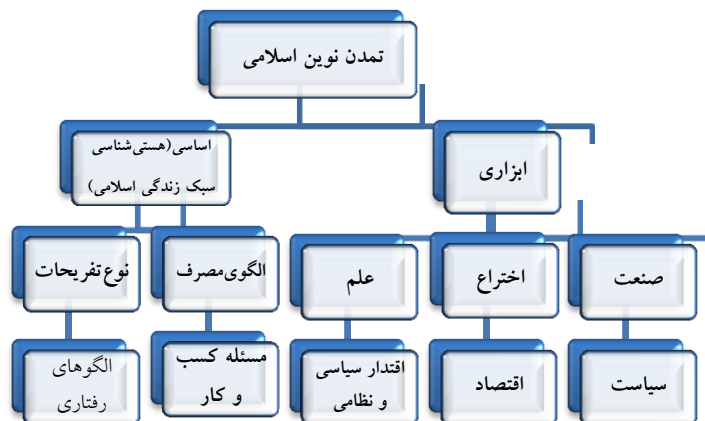
تطبیق مفهوم‌شناسی «شیوه زندگی» در تمدن غربی و تمدن اسلامی ❖ ۲۵

رهبری) از یک سو و جایگاه فقهی ایشان از سوی دیگر، این نکته بر ما آشکار می‌شود که مراتب سه‌گانه شناخت «سبک زندگی اسلامی» را باید در ساحت فقهی بررسی کرد. البته یادآور می‌شود، در اینجا منظور از ساحت فقهی، «فقه امامیه» است، زیرا میان جریان‌های اسلام‌خواه در کشورهای مختلف اسلامی نسبت به «سبک زندگی» و «هویت» برآمده از آن، تفاوت دیدگاه بسیار وجود دارد (خانی، ۱۳۹۲: ۹۷ - ۸۱). بر این اساس، ضمن پرداختن به مراتب سه‌گانه «هستی‌شناسی»، «معرفت‌شناسی» و «روش‌شناسی» سبک زندگی اسلامی در گفتمان رهبری، یادآور می‌شویم که ایشان به این موضوع از زاویه ساختن «تمدن نوین اسلامی» توجه کرده‌اند.

۱. هستی‌شناسی «سبک زندگی» در تمدن نوین اسلامی

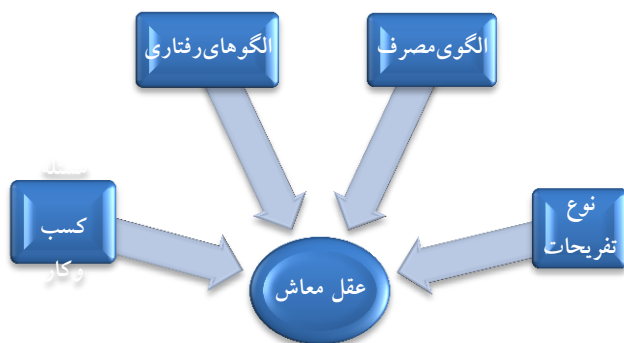
مقام معظم رهبری، «سبک زندگی» را بخش متنی و اصلی و اساسی تمدن نوین اسلامی برمی‌شمارند و ضمن ترسیم نوعی تمدن نوین اسلامی به‌مثابه هدف انقلاب اسلامی، این تمدن را دارای دو بخش «ابزاری» و «اساسی» می‌دانند که بخش ابزاری آن عبارت است از «همین ارزش‌هایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح می‌کنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی» (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری). «بخش حقیقی [هم] آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد که همان سبک زندگی است... این بخش حقیقی و اصلی تمدن است» ایشان با عنوان کردن برخی موارد مانند الگوی مصرف، نوع تفریحات، مسئله کسب و کار و الگوهای رفتاری در حوزه‌های مختلف اجتماعی و خصوصی مانند رفتار با همسر یا پدر و مادر یا در محل کار یا محیط تحصیل و نظایر آنها، متن زندگی

را متشکل از چنین مواردی دانستند. نمودار زیرین مطالب بالا را گویاسازی کرده است.



شکل ۴. ترسیم ابزاری و اساسی تمدن نوین اسلامی از نظر مقام معظم رهبری

البته به نظر مقام رهبری، مجموعه مؤلفه‌هایی را که در ذیل «هستی‌شناسی سبک زندگی اسلامی» قابل تشخیص هستند، می‌توان با اصطلاح اسلامی «عقل معاش» نامبردار کرد.



شکل ۵. مواضع عقل معاش از نظر مقام معظم رهبری

تطبیق مفهوم‌شناسی «شیوه زندگی» در تمدن غربی و تمدن اسلامی ❖ ۲۷

ایشان در ایضاح عقل معاش چنین عنوان می‌کنند:

«عقل معاش، فقط به معنای پول درآوردن و پول خرج کردن نیست؛ که چگونه پول در بیاوریم، چگونه پول خرج کنیم. نه، همه این عرصه وسیعی که گفته شد، جزو عقل معاش است. در کتب حدیثی اصیل و مهم ما ابوابی وجود دارد به نام «کتاب العشره»؛ آن کتاب العشره درباره همین چیزهاست. در خود قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد که ناظر به این چیزهاست.» (همان)

سپس ضرورت پرداختن و توجه کردن به این مسئله را بدین سان بیان می‌کنند: «اگر ما در این بخشی که متن زندگی است، پیشرفت نکنیم، همه پیشرفت‌هایی که در بخش اول کردیم، نمی‌تواند ما را رستگار کند؛ نمی‌تواند به ما امنیت و آرامش روانی ببخشد.» (همان)

۲. معرفت‌شناسی «سبک زندگی» در تمدن نوین اسلامی

در بررسی مواضع معرفت‌شناسانه سبک زندگی اسلامی نیز ایشان با تمسک به بن‌مایه‌های اسلامی آن، معتقدند، فرهنگ زندگی را باید به شکل مطلوب اسلام، تدوین کنیم و تحقق ببخشیم؛ «البته اسلام بن‌مایه‌های یک چنین فرهنگی را برای ما معین کرده است. بن‌مایه‌های این فرهنگ عبارت است از خردورزی، اخلاق و حقوق».



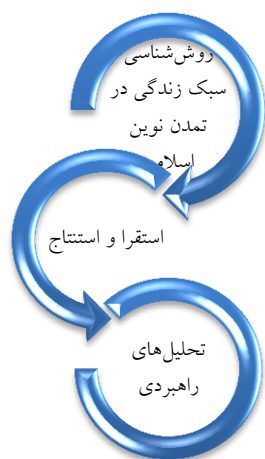
شکل ۶. بن‌مایه‌های فرهنگی و معرفت‌شناسی سبک زندگی اسلامی از نظر مقام معظم رهبری

سپس ایشان در خصوص ایجاد تمدن نوین اسلامی و الزامات خاص آن به نکاتی می‌پردازند که از مواضع معرفت‌شناسی اسلامی سبک زندگی به‌شمار می‌آیند. نخست، داشتن ایمان به هدف زندگی بر اساس یک مکتب فکری؛ چرا که بدون ایمان، پیشرفت در بخش حقیقی تمدن امکان‌پذیر نیست. در نتیجه، «بر اساس این ایمان، سبک زندگی انتخاب خواهد شد» (همان). «ایمان ما ایمان به اسلام است». دوم، پرهیز از تقلید، زیرا تقلید، جامعه را به پیشرفت‌های صوری و سطحی می‌کشاند و نتیجه آن، فقدان توانمندی لازم برای تمدن‌سازی است. سوم، بهره‌گیری از ابزارهای لازم مانند هنر، به منظور تبیین و ترویج سبک زندگی اسلامی. (همان)

۳. روش‌شناسی «سبک زندگی» در تمدن نوین اسلامی

با عنایت به نقطه عزیمت هستی‌شناسی از سبک زندگی اسلامی از سوی رهبری، شامل بیش از بیست نکته در مورد مناسبات و رفتارهای عینی و واقعی زندگی که در اصطلاح اسلامی «عقل معاش» نام گرفته‌اند، می‌توان روش‌شناسی ارائه شده از سوی ایشان را «از استقرا به استنتاج» دانست؛ به نحوی که مسائل خُرد، مقدمه فهم راهبردی شده‌اند. اصولاً حوزه مطالعات راهبردی (استراتژیک) برخلاف بار لغوی آن که همواره نوعی نگاه کلان را مطرح می‌سازد، در حوزه فرهنگ تنها بر پایه مطالعات و بررسی‌های جزئی امکان‌پذیر است. بنابراین، مجموعه توصیف‌های جزئی، مبنای تحلیل‌های راهبردی محسوب می‌شوند و پس از آن متغیرهای کلان یا ساختاری را بایستی در این گونه بررسی‌ها وارد و اعمال کرد؛ زیرا واقعیت‌های موجود و پراکنده که امکان بررسی و سنجش تجربی و ملاحظه عینی داشته باشند، می‌توانند پایه نتیجه‌گیری‌های کلان و راهبردهای آینده‌نگرانه باشند (حاجیانی، ۱۳۹۱: ۱۰-۹).

در واقع با به‌کارگیری مفهوم سبک زندگی و تعمیق درباره آن، می‌توان از هنجارهای پنهان که در اذهان، باورها و رفتارهای مردم یک جامعه قابل مشاهده است، سردرآورد و از جهت‌گیری‌های موجود یا در حال شکل‌گیری، به نحو واقع‌بینانه‌ای تفسیر به دست داد (همان: ۱۰). نمودار این الزام در زیر آمده است:



شکل ۷. روش‌شناسی سبک زندگی در تمدن نوین اسلامی از نظر مقام معظم رهبری

جمع‌بندی

با عنایت به نگرش‌های هستی‌شناسی، مواضع معرفت‌شناسی و رهاوردهای روش‌شناسی درخصوص مفهوم «سبک زندگی» و در نظر گرفتن موارد یاد شده در بالا و مؤلفه‌های هر یک از آنها در فضای فکری - فلسفی دنیای غرب که ویژگی مهم آن، انسان‌مداری در همه امور است، به این نتیجه مهم دست می‌یابیم که برداشت دقیق از مفهوم «سبک زندگی» در غرب، دارای دو

۳۰ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

خصیصه مهم و اصلی است که باید در پژوهش‌ها، آنها را در نظر داشت؛ یکی، منظور دقیق از «سبک زندگی» به معنای «سبک و روش زندگی در روزمرگی‌های زندگی انسان غربی» است که در هر زمان و مکان خاص خود شیوه خاص خود را پیدا می‌کند و می‌توان برای آن معادل دقیق‌تر «the daily of lifestyle» را به کار برد. خصیصه دوم و مهم‌تر نیز به این نکته اشاره دارد که این مفهوم، یعنی «سبک زندگی»، در پایان راه تمدن‌سازی غربی وجود دارد و خودنمایی می‌کند.

به بیان دیگر، سبک زندگی غربی نتیجه تمدن غربی و مدرنیته متأخر است، نه نقطه آغازین تمدن‌سازی در غرب. بر این مبنا، شکل‌گیری «جامعه مدرن»، «نظام طبقاتی»، «الگوی مصرف» و نظایر آن در غرب، نقطه پیدایش موضوع و مفهوم «سبک زندگی» زمان‌مند و مکان‌مند است. بدین ترتیب، آنچه در غرب به عنوان «سبک زندگی» معنا می‌شود، آخرین مرحله تطور اجتماعی آن، بعد از عبور از مراحل متعددی در تکامل اندیشه‌های اجتماعی، شکل‌یابی ساختارها و نظامات اجتماعی، سازگار شدن رویه‌ها و جریان‌ات فرهنگی مختلف و گاه معارض درون غرب و در نهایت استقرار وضعیت نهایی مدرنیته است که به صورت نظام اجتماعی لیبرال سرمایه‌داری امریکایی در انتهای قرن بیستم جلوه‌گر می‌شود و درون این شرایط خاص است که سبک زندگی، به عنوان مفهومی خاص برای توضیح وضعیت فرهنگی جدید انسان غربی، تعریف و به کار گرفته می‌شود. در واقع، جامعه مدنی مورد نظر غرب ایستگاه آخر پیشرفت و پایان مدرنیته است.

«سبک زندگی» زیربنایی‌ترین وجه تمدن‌سازی در نظر رهبر و نظریه‌پرداز تمدنی است که هنوز در مرحله آغازین تأسیس و بازتعریف خویش است و

حال آن‌که «لایف استایل»^۱ وصف وضع زندگی تمدن رقیب ما در آخرین مراحل خویش است؛ تفاوت عظیمی که حکایت از افق گسترده سبک زندگی اسلامی برای ما و بن‌بست زیستن مدرن در گفتمان مقابل دارد. بدین ترتیب، برای فهم و تعریف «سبک زندگی اسلامی» باید نظام مفاهیم و گفتمان انقلاب اسلامی را امتداد داد و آن را در کنار مفاهیمی چون فرهنگ، جامعه دینی، الگوی پیشرفت اسلامی و ایدئولوژی جامع اسلامی برای اداره جامعه باخوانی کرد تا همان طور که مورد نظر مقام رهبری است، راهی نو برای پرهیز از درغلطیدن به مدرنیزاسیون تکنیکی و استحاله فرهنگی ما به سوی تمدن اسلامی گشوده شود. به این معنا، طرح بحث «سبک زندگی تمدنی»، مسیری نوین برای گشوده شدن اندیشه انقلاب اسلامی در عرصه انقلاب فرهنگی و تحولی بنیادین در زیرساخت‌های جامعه در حال گذار ایرانی است (پایگاه اطلاع‌رسانی زندگی اسلامی). اما نکته پایانی که بسیار نیز قابل توجه است، اینکه، بررسی سبک زندگی در ایران به قدری جدید و نوظهور است که هنوز زمینه مطالعه ملی برای ایجاد دو اصل ضروری میدانی در کشور وجود ندارد: یکی رسیدن به الگو و اولویت‌های سبک زندگی در ایران و دیگری ایجاد پایگاه داده‌پردازی ملی در این زمینه. روند موجود در کشور نشان از این دارد که یا برحسب ضرورت یا به واسطه تغییر آگاهی‌ها، باورها و تلقی‌ها و نگرش‌های عمومی جامعه در برخی از مسائل مانند سبک زندگی، در حال تحول است و تأکید بر روش‌های سنتی و اصرار بر کارکردهای قبلی به واسطه تحول جامعه امکان‌پذیر نیست.

همچنین، در عین حال که ضرورت مطالعه مسائل اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی و همچنین توجه به مسائل نوظهور اجتماعی نظیر سبک زندگی، بیش از پیش احساس می‌شود، اما به نظر می‌رسد متولی مشخص، آن هم در سطح ملی، برای بررسی مباحث اجتماعی، تعیین اولویت و شاخص بررسی مناسب وجود ندارد که در یک بازه زمانی تعیین شده بررسی‌ها انجام شود و پیوسته مورد نظارت قرار گیرد. بر این اساس، وجود پایگاه اطلاع‌رسانی و داده‌پردازی ملی برای حوزه‌های مسائل اجتماعی امکان برنامه‌ریزی ملی در این زمینه را افزایش خواهد داد. روند کنونی به شکلی است که داده‌ها بسیار پراکنده، متناقض و محدود هستند و پایش داده‌ها در سال‌های بعد نیز تداوم ندارد. (غرایاق‌زندی، ۱۳۹۱: ۱۸۰)

منابع

الف) کتاب

۱. باکاک، رابرت (۱۳۸۱). **مصرف**. ترجمه خسرو صبری. تهران: شیرازه.
۲. بوردیو، پی‌یر (۱۳۸۰). **نظریه کنش، دلایل عملی و انتخاب عقلانی**. ترجمه مرتضی مردیها. تهران: نقش و نگار.
۳. فاضلی، محمد (۱۳۸۲). **مصرف و سبک زندگی**. تهران: صبح صادق.
۴. کوهستانی، حسینعلی (۱۳۷۸). **پژوهشی در اوقات فراغت و راه‌های بهره‌وری از آن**. مشهد: تیهو.
۵. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰). **پیامدهای مدرنیته**. ترجمه محسن ثلاثی. چ ۲، تهران: نشر مرکز.
۶. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲). **تجدد و تشخص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید)**. ترجمه ناصر موفقیان. چ ۲، تهران: نشر نی.

ب) مقاله

۱. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۱). «الگوهای سبک زندگی در ایران». **الگوهای سبک زندگی ایرانیان**. چ ۲، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۲. حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۱). «سبک زندگی و مطالعات راهبردی». **الگوهای سبک زندگی ایرانیان**. چ ۲، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۳. خانی، حسین (۱۳۹۲). «خیزش‌های اسلامی در جهان عرب؛ ارزیابی فرصت‌ها و تهدیدهای منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه سیاست**، دوره ۴۳، ش ۴.

۳۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

۴. شفیع، سمیه (۱۳۹۱). «مطالعات جنسیتی اوقات فراغت؛ به سوی تبیین سبک زندگی». **الگوهای سبک زندگی ایرانیان**. چ ۲، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۵. غرایاق‌زندی، داود (۱۳۹۱). «سبک زندگی». **سالنمای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران: تحولات راهبردی ۱۳۹۱؛ چشم‌انداز ۱۳۹۲**. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۶. محمدی، سیده عقلیه (۱۳۹۱). «رابطه بین سبک زندگی و نگرش هویت جنسیتی در بین دو نسل مادران و دختران». **الگوهای سبک زندگی ایرانیان**. چ ۲، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۷. نصری، قدیر (۱۳۸۵ الف). «پست مدرنیسم و مطالعات راهبردی؛ الزامات روش شناختی». **فصلنامه مطالعات راهبردی**. س ۹، ش ۱.
۸. نصری، قدیر (۱۳۸۵ ب). «فهم کانستراتیویستی امر سیاسی». **فصلنامه مطالعات راهبردی**. س ۹، ش ۴.

ج) انگلیسی

1. Bourdieu, pierre (1984), **Distintion: A Social Critique of the Judgement of Taste**. Translated by Karl Smith, London: Oxford university.
2. Chaney, D. (1996). **lifestyles**. London: Sage Publications.
3. Giddens, A. (1991). **Modernity and Self - Identity: Self and Society in the; Ate Modern Age**. Cambridge: Poty Press.

تطبیق مفهوم‌شناسی «شیوه زندگی» در تمدن غربی و تمدن اسلامی ❖ ۳۵

4. Hay, kolin (2003). **An Critical Introduction to Political Analysis**. Newyork: palgrave press.

د) تارنمای مجازی

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری:

<http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=bayanat&id=9985>

پایگاه اطلاع‌رسانی ثبت زندگی اسلامی:

<http://www.islamiclife.ir/note/1392/10/002149.php>

